

هنرپیشهٔ بریده از ایران با عصبانیت مشغول انتقام‌گیری از اهالی هنراست

یکی علیه همه



ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

گفت‌وگوی حامد بهداد باکیوان کثیریان در برنامه یوتیوبی «خط فرضی» هم به‌خاطر کاراکتر نمایشیِ این بازیگرو هم به دلیل تعدد موضوعات مطرح شده بسیار دیده شد. بهداد در بخشی از حرف‌هایش با مخاطب قرار دادن حمید فرخ‌نژاد، مورد تأیید بعضی از رسانه‌های داخلی و همچنین مخاطبان فضای مجازی قرار گرفت. طبق معمول، رسانه‌های آن‌ور آبی هم بیکار ننشستند و در تخریب و ترور شخصیت این بازیگر سنگ‌تمام گذاشتند. اینترنشنال از یک‌سو و صفحه از زیر پُته به عمل آمده «حافظه تاریخی» از سوی دیگر توپخانه خود را به کار انداختند و هرچه لایق خودشان بوده و هست را به بازیگران، سلبریتی‌ها و چهره‌های رسانه‌ای داخلی نسبت دادند. بحث بر سر شخصیت حقیقی بهداد –که رفتار خودش در قضیه علی دایی و امیرحسین حاجی‌نصیری (جانباز مدافع حرم) جای هیچ دفاعی ندارد– نیست، بلکه اشاره به او صرفاً تلاشی برای نجات ادراک و حافظه بلندمدت مخاطب از دست مدعیان روشنفکری و آزادی بیان است. حامد بهداد رفتار هیستریک حمید فرخ‌نژاد را به زبان خود نقد کرد، ولی مشاهده کردیم که او را نیز مانند مورد شهرام شب‌پره و علی ضیاء در گوشه رینگ گیر انداختند و مشت پُشت مشت حواله صورت آن‌ها کردند.



چارسو

آمازون سریال «یوسف مصر» را می‌سازد

شبکه نمایش خانگی «آمازون پرایم» اعلام کرد که ساخت سریال درام مذهبی «یوسف مصر» را آغاز کرده است. این مجموعه که روایتگر بخشی از داستان‌های کتاب مقدس است، با بازی آدام هاشمی در نقش یوسف پیامبر در ایالت نیومکزیکو کلید خورده است. بر اساس خلاصه داستان منتشرشده، سریال به زندگی یوسف می‌پردازد؛ شخصیتی که به دلیل حسادت و خیانت برادرانش رنج بسیاری را متحمل می‌شود، اما در نهایت به جایگاه والایی در مصر می‌رسد.
باین‌حال گذشته پرچالش او دوباره به سرراش می‌آید و آزمونی بزرگ را پیش رویش قرار می‌دهد. در ترکیب بازیگران این اثر نام‌های شناخته‌شده‌ای به چشم می‌خورد. الکساندر صدیق در نقش یعقوب، بابک نفتی در نقش شمعون، دنیل پیرا در نقش رنوبن و آیریس بحر در نقش لیا بازی می‌کنند. همچنین هنرمندانی چون نگار زادگان، امیر ملکلو، موران آتیاس، طناز شستیری و جمعی دیگر از بازیگران در نقش فرزندان و همراهان خاندان یعقوب ظاهر خواهند شد. این سریال با نو سبندی و هدایت کریگ رایت ساخته می‌شود و دالاس چنکینز، خالق مجموعه «برگزیده»، نیز به‌عنوان تهیه‌کننده اجرایی در آن حضور دارد. «یوسف مصر» دومین تولید مذهبی آمازون پس از سریال «خاندان داوود» است و قرار است به‌طور انحصاری در بیش از ۲۴۰ کشور و منطقه جهان پخش شود.

در جدیدترین واکنش نسبت به مسائل مطرح شده در برنامه خط فرضی، مهدی رستم‌پور، خالق حماسه قایق موتوری یا همان کارشناس اسبق گشتی شبکه سه سیما، حمید فرخ‌نژاد را برای بیان پاره‌ای از توضیحات فراخواند تا رونقی به کسب‌وکار کساد یوتیوبی‌اش دهد و زمینه را برای ایفای نقش بیشتر در صنعت اپوزیسیون فراهم کند. رستم‌پور پس از سرهم‌کردن ماجرای بامزه و خیالی ریایش علی کریمی به دست مهران مدیری، مدت‌ها در حاشیه بود و برای بالا آمدن و مطرح شدن دوباره به قداره‌کش صاحب‌سبکی چون فرخ‌نژاد نیاز داشت تا بتواند دوباره با برند جدید، گذشته‌اش را پاک کند و به صحنه بازگردد. اما بازیگر سابق سینمای ایران در گفت‌وگو با مربی اسبق تیم ملی گشتی زنان دانمارک چه گفت؟ پیش از بیان اصل مطلب لازم است به این نکته اشاره کنیم که رسانه‌ها و میکروسرسانه‌های تصویری داخلی در بازنشر حرف‌ها و کنش‌های سلبریتی‌های خودفروخته و فراری ازکشورنباید با جرح و تعدیل و سانسور محتوابه سراغ آن‌ها بروند، چون بهانه به دستشان می‌دهند تا به این واسطه واقعباتی که به سبب لغزش‌های زبانی بیان کرده‌اند را به کل منکرشوند و همچنان در ققامت یک قهرمان در حافظه مخاطبان هدف باقی بمانند. درواقع هنگامی که تصمیم داریم به باطلیل شهره‌های تاریخ مصرف گذشته واکنش نشان دهیم باید صادقانه و رک و راست باسوزه روبه‌رو شویم تا آن‌ها فکرانجام عملیات فریب و قلب مفاهیم را به کل از سر بیرون کنند.



وقت دعواهای شخصی نیست؟

فرخ‌نژاد در ابتدای گفت‌وگویش با رستم‌پور که نزدیک یک ساعت به طول انجامید گفت باید از دعواهای شخصی پرهیز کنیم و به‌قول «ژنرال پتن مناطق بی‌آب‌وعلف» یا همان پسر ارشد شاه مخلوع روی مسائل کلان‌تر به بحث و تبادل‌نظر بپردازیم. سؤالی که در همین شروع کار ذهن نگارنده را به خود جلب می‌کند این است: مگر حمید فرخ‌نژاد و اربایش –که او هم نوکر اجاره‌ای جنایتکارانی چون نتانیاهو و ترامپ است– در جایگاهی قرار دارند که بتوانند برای دیگری خط‌مشی مشخص کنند و خط و نشان بکشند؟ مطلقا خیر. چه خصوصیت و ویژگی‌ای، امثال فرخ‌نژادها و پهلوی‌ها را از باقی ایرانیان متمایز کرده و آن‌ها را در میزانشنی قرار می‌دهد که اکنون بخواهند برای ایرانیان داخل کشور از بنا و بزاز گرفته تا

من ممنوع‌الکارم، پس قهرمانم!

وقتی بازیگر یا هر چهره معروف رسانه‌ای دیگر از ممنوع‌الکاری‌اش حرف می‌زند، توقع دارد مخاطب به او فارغ از دلایل درست یا غلط بودن این محدودیت حق بدهد، اما انسان عاقل و منتقد عادل و دلسوز در مواجهه با چنین افرادی باید از آن‌ها پرسد چرا مسیر به چنین ستمی پیش رفت که بازیگر شاخصی نظیر حمید فرخ‌نژاد اکنون باید در هزاران کیلومتر دورتر از کشورش روزگار بگذراند و پس از عمری شهرت به زینت‌المجلس این و آن تبدیل شود؟ بازیگر «استرداد» با معلوم‌نمایی از ممنوع‌الکاری در ایران حرف می‌زند، اما مطلقا هیچ اشاره‌ای به دلیل اصلی مشکلاتش نمی‌کند، او هیچ‌وقت در ایران با ممنوعیت در امور بازیگری

فرخ‌نژاد در پاسخ به حامد بهداد گفت که به او و هیچ هنرمند و سینماگری در این سه سال توهین نکرده است ولی حتماً به بهروز افخمی و آدم‌هایی مثل او که نماینده تفکر جمهوری اسلامی هستند توهین کرده، می‌کنم و خواهم کرد (نقل به مضمون). او افخمی را چماقدار فرهنگی خطاب قرار داد، ولی گفت که در همین حوالی، یعنی در دوران جنگ تحمیلی ۱۲روزه کدام طرف ایستاد؟ اگر افخمی در مقام یک کارگردان کارکشته و حرفه‌ای –که جز سلاح قلم، بیان و دوربین عملاً وسیله دیگری برای ابراز عقیده‌اش ندارد و نیمی از شهرت فلان سلبریتی بی‌سواد و کم‌خرد نصییش نمی‌شود– را چماقدار فرهنگی خطاب قرار دهیم، حق است که برچسب پاندازی و فاشیگی فرهنگی برای غرب و دشمنان قسم‌خورده ملت ایران را بر پیشانی فرخ‌نژاد و همپالگی‌هایش بچسبانیم.

حمله فرخ‌نژاد به داریوش ارجمند هم با این دست‌فرمان که مردم دیگر او را دوست ندارند، از آن حرف‌هایی است که تنها در دکان مهدی رستم‌پور خریدار دارد. گویا بازیگر «ارتقا پست» همچنان در چاه ویل خطای شناختی دست‌وپا می‌زند و نمی‌داند که محبوبیت یک فرد را با کامت‌ها، پست‌ها و محتواهای موردعلاقه آمریکایی–صهیونی‌پسند نمی‌سنجند که اگر این‌طور بود، اکنون جایگاه ارجمند و فرخ‌نژاد عوض می‌شد و این داریوش ارجمند بود که به جای

من باختم؟ من پیروزم

فرخ‌نژاد در رابطه با مسائل مالی و قراردادهای کاری‌ای که از او در هنگام فرار دریغ شد، اعلام نارضایتی و شکست می‌کند، اما با بغضی در سینه، خود را پیروز تاریخ لقب می‌دهد، چون فکر می‌کند که با یک موضعگیری خشک و خالی در حمایت لفظی از جریسان غیبارگانیک‌زن، زندگی، آزادی بدهی خود را به ایرانیان پرداخت کرده و اکنون باید مدال مبارز خستگی‌ناپذیر را به سینه‌اش الصاق کنند. یادمان باشد، کمتر سلبریتی‌ای در دنیا وجود دارد که سودش در انجام فعل یا ترک فعل را در محاسبانش لحاظ نکند. اگر حمید فرخ‌نژاد احتمال پیروزی جریان خیابان در سال ۱۴۰۱ را نزدیک به صفر می‌دید محال ممکن بود که از کشور بیرون بیاید و به‌قول خودش در تبعید روز را به شب برساند. حال او بدون هیچ تحقیقی تمام کاسه کوزه‌ها را سر حاکمیت شکانده و به این و آن

بازیگر و وکیل و باغبان زیر و رو بکشد؟ آن‌ها از ایرانی بودن چه چیز جز فارسی حرف زدن یاد گرفته‌اند که حال بخواهند برای دوست و دشمن، منتقد و هوادار و بزرگ و کوچک و... در نقش ریش‌سفید مصلح انضای نقش کنند؟ اگر گوش شنوایی وجود داشت و ما می‌توانستیم قدرتمان در جنگ نرم را به رخ کشیده و آن را تثبیت کنیم حمید فرخ‌نژاد و آن شاه بی‌تاج‌وتخت پس از حمله اسرائیل به خاک کشور جرئت حرف زدن پیدا نمی‌کردند که الان بخواهند برای مردم ایران «باید» و «نباید» مشخص کنند! متأسفانه از کوهی ماست که هر پهلوان‌پنبه‌ای به خود هر وقت که دلش بخواهد اجازه می‌دهد که برای ایرانیان نسخه بیبچد و از بی‌حافظگی افکارعمومی در شناخت دوست و دشمن نهایت استفاده را ببرد.

روبه‌رو نشد و تنها وقتی که تمام پل‌های پشت سرش را پس از خروج از ایران خراب کرد، این اتفاق برایش رقم خورد. در هیچ کجای دنیا برای فردی که هم‌راستا با دشمنان قسم‌خورده خارجی و داخلی علیه ساختار سیاسی کشورش موضع بگیرد فرش قرمز پهن نمی‌کنند که حمید فرخ‌نژاد بخواهد نفر دوم این فهرست باشد. به حاشیه رفتن این بازیگر نسبتاً پیشکسوت کمترین هزینه‌ای است که افرادی چون او باید برای آرزوهایشان بپردازند. بلوای «زن، زندگی، آزادی» فرخ‌نژاد را به‌خاطر زیست گلخانه‌ای‌اش با خطای محاسباتی و شناختی ویران‌کننده‌ای مواجه ساخت، خطایی که جز خودش هیچ فرد، گروه یا دسته‌ای مسبب ایجاد آن نیستند.

من به آدم‌بدهای سینمای ایران توهین می‌کنم

بازیگر نقش امنیتی فیلم «لاتاری» برای لقمه‌ای نان در کوچه و خیابان‌های آمریکا و اروپا به هر خفتی تن می‌داد. تنها در یک قفرو، پخش صداره سه‌گانه «ستایش» از شبکه‌های سیما ثابت می‌کند که چه کسی در اوج محبوبیت قرار داد و چه شخصی علاقه مردم نسبت به خودش را تنها در خواب و خیالش می‌بیند. فرخ‌نژاد اباطیلش را این‌طور ادامه می‌دهد که نظام برای کسب مشروعیت به‌جای دار بوش ارجمند و بهروز افخمی به سراغ امثال بهداد می‌رود! بهداد در گفت‌وگوهای اخیرش با رسانه‌ها در هیچ برنامه‌ای که خط فکری آن حتی نزدیک به صداوسیما باشد هم شرکت نکرده است که حال بخواهد با حضور در آن برای نظام مشروعیت ایجاد کند. بله، این نقد به ساختار وارد است که بیش از حد به شهره‌ها و سلبریتی‌ها بها می‌دهد، اما حمید فرخ‌نژاد در جایگاهی نیست که بخواهد برای کسی زیر و رو بکشد؛ از قدیم الايام گفته‌اند که «رطب خورده رطب کی کند؟» حمید قبه ما فراموش کرده که بیش از هر بازیگر دیگری در سینمای ایران نقش مامور امنیتی بازی کرده و در تعداد دفعات بیشتری با تمام رسانه‌های نزدیک به حاکمیت به گفت‌وگو پرداخته است؟ او جزء معدود بازیگرانی در ایران بود که به دلار دستمزد می‌گرفت و هیچ‌کس توانایی مقاومت در برابر خواسته‌های غیر معقول او را نداشت.

فحش می‌دهد تا مبدا لشکر فحاش اینستاگرامی عطای ماندن در صفحه‌اش را به لقایش ببخشند و او را با وجدان زنگارگرفته‌اش تنها بگذارند. فرخ‌نژاد درحالی برای مخاطبان هدفش اشک می‌ریزد که علنادر روزهای دفاع مقدس ۱۲روزه، طرف آمریکا و اسرائیل ایستاد و نقشی ولو کوچک در عادی‌شان دادن جنایت‌های نتانیاهو ایفا کرد. فرخ‌نژاد به دلیل انجام جرم مشهود «خیانت به کشور» باید منتظر مجازات مشهود هم باشد. حال اگر نمک روی زخم مردم ریخته و مدعیانه باد در غیبت می‌اندازد نباید آن را به حساب حافظه ضعیف ایرانیان بگذارد. حال اگر افکار عمومی جواب در خوری به او نمی‌دهند از روی بزرگواری و بزرگ‌منشی‌شان است وگرنه گیر انداختن او، حتی در آمریکا هم کار سختی نیست که کسی از عهده‌اش برنیاید.



«وینس گیلیگان» خالق سرشناس سریال‌های «برکینگ بد» و «بهتره با سال تماس بگیري» با اثری متفاوت به تلویزیون باز می‌گردد. سریال تازه او با نام پلوریوس به سفارش شبکه اینترنتی اپل ساخته شده و از آبان سال آینده پخش خواهد شد. به گزارش رسانه‌های سینمایی، اپل در توضیح داستان این مجموعه خلاصه‌ای عجیب منتشر کرده است: «غمگین‌ترین فرد روی زمین باید دنیا را از خوشبختی نجات دهد». همین جمله کوتاه کنجکاوی زیادی میان مخاطبان ایجاد کرده است. در تیزر منتشرشده نیز صحنه‌ای غیرمتعارف از زنی با لباس صورتی که دونات‌ها را می‌لیسد و دوباره در جعبه می‌گذارد دیده می‌شود. نقش اصلی سریال را «ریا سیهورن» بازیگر شناخته‌شده ایفا می‌کند؛ کسی که پیش‌تر با نقش «کیم وکسلر» در «بهتره با سال تماس بگیری» خوش درخشیده بود. حضور او پیوندی میان دنیای آشنای آثار پیشین گیلیگان و فضای تازه پلوریوس ایجاد کرده است. «باب اودنکرک» بازیگر نقش «سال گودمن» نیز این پروژه را بزرگ‌ترین اتفاق پس از مجموعه‌های شاخص تلویزیونی سال‌های اخیر دانسته و آن را اثری عظیم توصیف کرده است. گیلیگان در باره ژانر سریال گفته است که با یک «علمی –تخیلی ملایم» روبه‌رو هستیم و خبری از داستان‌های جنایتکارانه آثار قبلی او نخواهد بود. دو قسمت نخست این سریال روز هفدهم آبان ۱۴۰۴ منتشر می‌شود و ادامه آن به‌صورت هفتگی در دسترس قرار خواهد گرفت.

